

چو پش

واژه‌نامه‌ی گویش خوری

محمد شایگان

شایگان، محمد	
واژه‌نامه‌ی گویش خوری / محمد شایگان - تهران: نشر بوشیج، ۱۳۸۵.	
۳۰۸ ص.	شابک X-۰۴-۸۰۳۸-۹۶۴
ISBN 964-8038-04-X	ای.ای.ان ۰۴۰۳۸۰۳۸۰۴۰۹۷۸۹۶۴
IEN 9789648038040	۱-خوری - واژه‌نامه‌ها، الف. عنوان.
۰۳/مغ ۴۶۹	۲ش ۸۳خ/PIR ۳۲۷۹



نشر بوشیج

واژه‌نامه‌ی گویش خوری

محمد شایگان

ناشر: نشر بوشیج

عکس روی جلد: رضا شایگان

کتاب آرا: اسماعیل جنتی

چاپ اول: ۱۳۸۵ / ۱۵۰۰ نسخه

لینوگرافی: طاووس رایانه - چاپ و صحافی: فاروس ایران

کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به نشر بوشیج است

تهران - صندوق پستی: ۹۷۷-۱۳۱۴۵

تلفن: ۰۹۱۲-۳۱۵۵۵۴۹

ISBN 964-8038-04-X

شابک X-۰۴-۸۰۳۸-۹۶۴

IEN 9789648038040

ای.ای.ان ۰۴۰۳۸۰۳۸۰۴۰۹۷۸۹۶۴

فهرست

۵	پیش‌گفتار مؤلف
۹	پیش‌گفتار
۲۴۹	منظومه‌ی (۱)
۲۷۳	منظومه‌ی (۲)
۳۰۱	اوسانگِ دیزیگو (افسانه‌ی گنجشک)

پیش‌گفتار مؤلف

گوش خوری و زبان فارسی توامان در من تولد یافته‌اند و آغاز این دو از روزگار گاهواره که مادر یک حرف و دو حرف بر زبانم می‌نهاد و در همان حال ترنم لالایی‌هایش در گوشم:

لالا گلم لالا

تو آروم دلم لالا

بمی نی بر مو این شالا (بمانی برای من انشاءالله...)

و با به پای گوش خوری، یادگیری سخن فارسی از پدر- و او این شیوه را از پدر و مادرش به میراث داشت که با پدرش به فارسی و با مادرش به گوش خوری گفت و شنود داشت.

واژگان بسیاری در گوش خوری وجود دارد که مادرم در دوران کودکی من، با گویشگران خوری داشت که امروز از قلمرو گوش خوری به کلی حذف شده است. عنوان مثال: آفوک یعنی آه

آفوک در بساط نیست. آه در بساطش نیست.

آمحل یعنی آن وقت...

یا بار دل کِمتر که به شخص مصیبت دیده گفته می‌شد و او در پاسخ می‌گفت: نگینی (نبینی)

یعنی تو (بار دل) نبینی.

عبارت دیگر:

دِشکَرِ پُرِ مَوْنِمِ دَبُو

که در هنگام احوال‌پرسی دو نفر از یکدیگر به کار برده می‌شد و مفهومی معادل این معنی داشت. دل ما برایتان بسیار تنگ شده و طرف مقابل جواب می‌داد: آمه گِشتر یعنی ما بیشتر دلتنگ شما شده‌ایم.

یا عنوانی که به انگشتان دست داده می‌شد و شروع آن از انگشت کوچک یعنی کلیچ بود و به انگشت بزرگ یعنی انگشت شست ختم می‌گردید. که در جای خود در کتاب آمده است.

در منطقه خور چهار گویش متفاوت از یکدیگر در چهار محل خور - فرّخی - گرمه - ایراج وجود دارد.

خور و فرّخی با این که فاصله‌ای اندک از یکدیگر دارند (۱۸ کیلومتر) دارای دو گویش و دو لهجه‌اند. و چون تفاوت دو گویش اندک است گویش‌های یکدیگر را فهم و درک می‌کنند. بعضی از واژگان این دو گویش با هم تفاوت بنیانی دارند مانند واژه‌ی عروس که در فرّخی آروس و در خور گهی گفته می‌شود (غالب واژه‌هایی که در زبان فارسی حرف اول آن (ب) است در گویش خوری به «گ» بدل می‌شود) با این توجیه واژه گهی در فارسی بهی است و کودکان خوری هر چیز زیبایی را بهی می‌گویند که قاعدتاً باید همان بهی باشد.

غالب واژه‌هایی که در فارسی حرف اول آن «خ» می‌باشد در گویش خوری به «ف» یا «ه» بدل می‌گردند و چنان‌که قبلاً ذکر شد واژه‌های فارسی که حرف اول آن‌ها «ب» است، در گویش خوری حرف «ب» به حرف «گ» بدل می‌گردد.

خوردن = فارْدُن	باران = گارُون
خوابیدن = فافْتَن	باد = گَا
خواهر = فار	بَر (پهلوی) = گُر
خون = فین	برگ = گَلَنگ
خورده = فارْدَه	بَنَه = گَنُو
خورشید (خور) = فُر	بین = گین (بن مضارع از مصدر دیدن)
خودم = فُم	بَس = گُس
خود به خود = فُ به فُ	بد = گَد
خُرما = هُرما	بیست (۲۰) = گیس
خوشه = هُوژی	بیشتر = گِشْتَر
خوشکی = هُوژی	بازی = گازی
خُسیدن = هوسین	بچه = گُچه
خَدِشْکَن = هِشْکِنَه	بزرگ = گُزَر
بادبزَن = گارُم	بانگ (اذان) = گانگ
بادام = گایِم	

پیش‌گفتار

رشد تکنولوژی و ارتباطات گسترده از جمله دستاوردهای خیره‌کننده بشر در جهان امروز است. رشد دانش بشری در زمینه‌ی انفورماتیک و تبادل اطلاعات در سالیان اخیر به قدری چشمگیر است که هر سال برابر یک قرن دچار تحول و دگرگونی گردیده است. نقش ارتباطات در رشد و دگرگونی و تبادل دانش و فرهنگ بشری انکارناپذیر است. فرهنگ مشترک جهانی که در شکل‌گیری آن همه‌ی ملت‌ها و قومیت‌ها نقش دارند از آرزوهای دیرینه آدمی است. اما تبادل نابرابر اطلاعات بین کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه حاکی از نقش کم‌رنگ و نابرابر این کشورها در فرهنگ جهانی است. رشد تکنولوژی، رواج شهرنشینی، تبادل نابرابر اطلاعات، آسیب‌های جدی بر فرهنگ‌های عمده‌تأشفاهی این کشورها وارد کرده است. فقط در بخش زبان بسیاری از زبان‌های رایج دنیا در قرن گذشته منسوخ شده و پیش‌بینی می‌گردد تا پایان قرن حاضر نهایتاً کمتر از سی زبان زنده در دنیا رایج باشد. تنوع شرایط اقلیمی و جغرافیایی کشور ما، فرهنگ‌های گوناگون و متنوعی را موجب گردیده است. که به علت ویژگی‌های فرهنگ شفاهی و عدم ثبت و ضبط و ارائه

آن در سال‌های اخیر باعث حذف بخش قابل توجهی از فرهنگ شفاهی به خصوص در بخش موسیقی گردیده است. مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها، ارتباط شهر و روستا و در نتیجه آن تأثیرپذیری فرهنگ روستایی از فرهنگ شهری و التقاط فرهنگ‌ها (همانند تأثیرپذیری یک سویه کشورهای در حال توسعه از کشورهای توسعه یافته) خود از عوامل آسیب‌پذیری فرهنگ‌هاست.

رشد تکنولوژی و تغییر در نحوه‌ی زندگی، تغییر در مشاغل و حذف روش‌های دستی انجام کارها خود باعث تخریب در فرهنگ مرتبط با مشاغل و حذف آن‌ها گردیده است. به عنوان مثال در اوسانگ دیزیگو (با توجه به حذف روش‌های انجام کار کرباس بافی در خور) بسیاری از واژه‌ها و عبارات مطرح شده منسوخ شده و کاربری ندارند. به همین ترتیب در بخش کشاورزی (تقسیمات آب، آبیاری، کشت و کار، واژه‌ها، عبارات و فرهنگ مربوط به آن) و صنایع دستی از جمله (پارچه بافی، حصیر بافی، سبد بافی، زنبیل، لیف و...) بخش ساختمان، امور غذایی و پخت نان، امور دام و رویش گیاهی و...

بدیهی است در هر مورد با تغییر یا حذف روش‌های انجام کار فرهنگ و واژه‌های مربوط به آن منسوخ می‌گردد. در برخی از کشورهای توسعه یافته علیرغم توسعه‌ی تکنولوژی و استفاده از فن‌آوری‌های پیشرفته به منظور حفظ فرهنگ‌ها، پاره‌ای از مشاغل و اماکن با شرایط سنتی حفظ می‌گردند. مثلاً در فرانسه، کالاهایی با مارک HAND MADE و به روش سنتی تولید و البته با قیمتی گران‌تر عرضه می‌گردند یا نان با روش سنتی در مکان‌هایی طبخ و عرضه می‌گردد. بنابراین یکی از راه‌های حفظ فرهنگ واژگانی مشاغل، حفظ شیوه‌های انجام کارها در قالب سنتی است. البته در مقیاسی بسیار کوچک‌تر و موزه‌ای. علل ضرورت گردآوری

و حفظ فرهنگ شفاهی در حیطه‌ی این مقدمه نمی‌گنجد. قدر مسلم آن است این مهم بخشی از هویت ماست و حفظ و صیانت از آن برعهده نهادهای دولتی است که معمولاً در ایران آمیدی به حمایت نمی‌رود. در خصوص ثبت و حفظ فرهنگ شفاهی منطقه خور و بیابانک اقداماتی انجام شده که معمولاً با همت شخصی افراد انجام شده که در رأس آنها آثار عبدالکریم حکمت یغمایی است. گویش خوری به علت شرایط اقلیمی خاص کمتر دچار آسیب گردیده است. از این نقطه نظر حفظ واژه‌های خوری حایز اهمیت است. واژه‌های خوری اولین بار توسط دکتر بهرام فره‌وشی مورد بررسی قرار گرفت و در کتابی به همین نام منتشر گردید. این کتاب علیرغم آن‌که حاوی نکات مثبت در جهت شناخت گویش خوری است به دلایل عدم تسلط نگارنده به گویش خوری دچار اشکالات فراوانی در تلفظ واژه‌ها بوده به علاوه بسیاری از واژه‌ها در آن ثبت نگردیده است. چراغ گویش خوری در حال خاموشی است و به قول معروف، چراغی است که فتیله می‌سوزانند. واژه‌نامه‌ی گویش خوری حاصل تلاش چند ساله پدرم می‌باشد. مصادر افعال خوری و صرف تعدادی از آن‌ها به ضمیمه دو منظومه‌ی شعر به گویش خوری به همراه ترجمه‌ی فارسی آن به عنوان نمونه‌هایی از گویش منظوم خوری در این دفتر آمده است.

بدیهی است که فرهنگ مذکور نیز خالی از اشکال نبوده و بازنگری آن به علت مشکلات بینایی پدرم میسر نگردید. ترتیب الفبایی واژگان در پاره‌ای موارد رعایت نشده است. به علاوه ممکن است پاره‌ای از واژه‌ها از قلم افتاده باشد که با راهنمایی دوستان در چاپ‌های احتمالی بعدی اصلاح خواهد شد. در پایان از دوست عزیزم جناب آقای اسماعیل جنتی که چاپ این کتاب را برایم میسر نمود تشکر می‌کنم.